



دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان

چهارم

فصلنامه تخصصی

سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۳۸۸

- ♦ بررسی زمینه‌های اجتماعی پرخاشگری جوانان در ایران
دکتر حسین ابوالحسن تنهایی، شیرین امین‌لو، علیرضا صنعت‌خواه
- ♦ بررسی اعتماد انتزاعی در آموزش و پرورش (پژوهشی در بین دبیران ...)
دکتر باقر ساروخانی، دکتر امیر آشفته تهرانی، اعظم خطیبی
- ♦ ارزیابی سرشماری ۱۳۸۵ ایران بر اساس شاخص‌های سنی و جنسی
دکتر ایرج ساعی
- ♦ بررسی نقش و جایگاه امنیت در نظم اجتماعی (مطالعه موردی در شهرهای تهران و قزوین)
دکتر غلامرضا غفاری، رضا صفری شالی
- ♦ بررسی مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه در قصه‌های «عامیانه» فارس
دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده، محمدحسین همافر
- ♦ روش‌شناسی درمان اعتیاد به مواد مخدر در انگلستان و ارزیابی کارایی آن‌ها
دکتر غلامعلی لیاقت
- ♦ پیشقراولان جامعه‌شناسی ورزش
دکتر مهرداد نوابخش، دکتر کمال جوانمرد
- ♦ بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تشکیل حاشیه‌نشینی شهر سنندج - سال ۱۳۸۷ ...
دکتر سعید معدنی، امیرحسین محمدپناه

پیشقراولان جامعه شناسی ورزش

دکتر مهرداد نوابخش^۱

دکتر کمال جوانمرد^۲

چکیده

ورزش به رغم پیشینه تاریخی و کهنش، از دهه هشتاد وارد حوزه جامعه شناسی شد و کانون توجه این علم قرار گرفت. علمی که به بررسی رابطه متقابل بین افراد و ساختارهای جامعه از یک سو و ورزش از سوی دیگر پرداخته و به تفهیم، تبیین و تفسیر رابطه متقابل الگوهای رفتاری انسان با ورزش می‌پردازد. جامعه شناسی ورزش به عنوان حوزه ای جدید و نوپیدا به طرح بینش جامعه شناختی جهت شناخت ابعاد کارکردی ورزش در زندگی اجتماعی انسان‌ها روی آورده است. این حوزه علمی نوپا با چنین اندیشه ای به بررسی این پدیده اجتماعی روی آورده تا ضمن بازشناسی کارکردهای اجتماعی این پدیده در جامعه، از آن به عنوان سازو کاری مناسب جهت بهبود ساختارهای جوامع استفاده کند. طلیعه دار این حوزه «مارسل موس» جامعه شناس فرانسوی است که با تألیف کتاب «فنون و بدن» به سال ۱۹۳۲ این سرزمین جدیدی را فتح کرد. بعد از وی «هوینزینگا»، «کایووا» و «گاتمن» این انگاره فکری را بسط و گسترش داده و «الیاس» و «یوردیو» رابطه متقابل ورزش را با سبک زندگی، عادت واره و سرمایه اجتماعی بررسی نمودند. هرچند که «آدورنو» با سنت مکتب فرانکفورتی و با رویکردی انتقادی به آن نگریسته و از ورزش به عنوان توجیه گر مسایل سیاسی سخن به میان آورده است.

مفاهیم کلیدی:

ورزش، عقلانیت، عادت واره، هنجارهای مدارا، خشونت نمادین، سلطه اجتماعی.

^۱ عضو هیات علمی گروه جامعه شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

^۲ دانش آموخته دوره دکتری جامعه شناسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی Javanmard k @ yahoo.com

جامعه‌شناسی ورزش، حوزه جدید و نوپیدایی است که پیشینه‌ای حدود یک ربع قرن داشته و به بررسی کارکرد ورزش در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون به منظور شناخت تأثیر متقابل ورزش در مناسبات و روابط اجتماعی می‌پردازد. جامعه‌شناسی ورزش به عنوان یک حوزه علمی چند بعدی و میان رشته‌ای در بازشناسی و تحلیل فرهنگ، شخصیت قومی و ارتباطات روزمره بین افراد نقش مؤثری داشته، تا آنجا که «نوربرث الیاس» ورزش را کلید شناخت جوامع برشمرده و آن را مدل و مدخلی مناسب برای تحلیل ساختارهای حاکم بر جامعه می‌داند. «کایووا» نیز ورزش را بازتاب ساخت و بافت جوامعی می‌داند که در آن تکوین یافته، او بر آن است که بازی‌ها، تقدیر فرهنگ‌ها را رقم می‌زنند، و صراحتاً اعلام می‌کند، در فکر تأسیس و بنیان یک جامعه‌شناسی بر پایه بازی‌ها است، که به وسیله آن بتوان ساختار جوامع را تحلیل و تبیین کند. البته «مارسل موس» و «هویزینگا» قبلاً گام‌های مؤثری در این راه برداشته بودند، اما جامعه‌شناسان از دهه هشتاد و پس از آن که ورزش با بسیج منابع انسانی و مالی کلان در چارچوب تشکیلات سازمان یافته و قانونمند در اقتصاد ملی، روابط بین‌المللی، محافل سیاسی و رسانه‌های جمعی حضوری فعال و موفق یافت، به اهمیت ورزش به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی که می‌تواند به مثابه یک عادت واره ساختارهای فرهنگی و اجتماعی را منعکس نماید، توجه کرده و آن را موضوع پژوهش‌های جامعه‌شناسی قرار دادند.

اصحاب علوم اجتماعی از هنگامی که ورزش بیش از پیش و مستقیماً با صنعت کالا، خدمات و تبلیغات ارتباط تنگاتنگی پیدا نمود و نهادهای سیاسی و اجتماعی به صورت‌های گوناگون آن را جهت نیل به اهداف خود به خدمت گرفتند، از آن به عنوان مسأله‌ای قابل اعتناء در ارایه انواع تحلیل‌های جامعه‌شناختی استفاده کردند. از زمانی که به تعبیر «بورديو» ورزش میدان رقابت بر سر قدرت گردید و در عملی به ظاهر غیر سیاسی دائماً حضور سیاست و سیاستمداران دیده شد.

از سوی دیگر، ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی نشانگر ورود افراد به شبکه روابط اجتماعی است. ورزش عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی‌هایی معنادار قرن بیست و یکم است. این پدیده چند بعدی، آن چنان در متن جهان زندگی انسان‌ها رسوخ و نفوذ نموده که امروزه می‌توان با توجه به نگرش و فعالیت‌های ورزشی افراد، طرز تفکر، سبک زندگی و میزان سرمایه اجتماعی افراد را بازشناسی کرده و از روی رفتارها و فعالیت‌های ورزشی، سایر فعالیت‌های حیات زندگی اجتماعی را پیش بینی نموده و به وسیله آن انسجام و همبستگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد. بنابراین، با رویکردی جامعه‌شناختی و تحلیل بازی‌ها و ورزش‌ها، می‌توان بخش عمده‌ای از ویژگی‌های افراد و جامعه‌ای که ورزش‌ها در آن پدیدار شده‌اند را باز شناخت.

مارسل موس، فاتح سرزمین جدید جامعه‌شناسی ورزش

«مارسل موس»^۱ با تالیف کتاب «فنون بدن»^۲ در سال ۱۹۳۴ اولین تالیف را در جامعه‌شناسی ورزشی به رشته تحریر درآورد و شالوده جامعه‌شناسی ورزش را پی‌ریزی نمود و به عنوان طلایه دار و پیشقراول این حوزه شهرت یافت. علمی که به تعبیر «لوی اشتروس»^۳ سرزمین جدیدی به وسیله «موس» فتح شد. «مارسل موس» در این مقاله کلید واژه‌هایی مثل «فنون بدن»، «عادت واره»^۴ و «عقل عملی»^۵ را به کار برد و عملاً علم جامعه‌شناسی به عرصه ورزش و فعالیت‌های بدنی و هم چنین بازی‌ها و مسابقات ورزشی نفوذ نمود. به نظر «موس» در تمام ورزش‌ها و بازی‌ها از جمله شنا، دو، کوهنوردی و پرش‌ها یک عنصر نیرومند جامعه‌شناسی وجود دارد، که او آن را «عادت واره» نامید. او در کتاب خود در خصوص «عادت واره» در عرصه‌های ورزشی معتقد است که رفتارهای بدنی از سنخ رفتارهای طبیعی نیستند، بلکه رفتارهای فرهنگی‌اند. مجموعه‌ای از رفتارهای نمادی وابسته به منزلت و موقعیتی که هر فرد در سلسله مراتب اجتماعی احراز کرده است. ورزش در واقع به بازی گرفتن قاعده مند بدن است که بر حسب تعلق اجتماعی کنشگران و عمل کننده‌ها، کارکردهای متعدد و گوناگونی دارد (دوفرانس ۱۳۸۵: ۶-۱۴۵).

«مارسل موس» در این نوشتار رابطه رفتار بدنی با فرهنگ را به عنوان مسأله اصلی جامعه‌شناسی ورزش مطرح کرده و معتقد است، هر حرکت بدن در همبستگی تنگاتنگی با بستر اجتماعی اش یک حرکت فرهنگی به شمار می‌آید. او بر آن است، بدون هرگونه قضاوت ایدئولوژیکی و ارزشی به ورزش پرداخته است. او درباره ورزش ژیمناستیک می‌آورد که این هنر ژیمناستیک تکامل یافته در زمان، زیر مجموعه‌ای محدود اما مهم از مجموعه وسیعتر رفتار بدنی وابسته به زندگی روزمره، کار و تفریحات است (همان‌جا). بنابراین، وی فنون بدن مثل راه رفتن و ورزش کردن را نه فقط حرکات فیزیکی و بیولوژیکی می‌داند، بلکه تبلوری از آموزش می‌پندارد که خود نوعی اجتماعی کردن است (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

هویزینگا، ورزش پدیده‌ای فرهنگی

پس از انتشار مقاله «فنون بدن» توسط «مارس موس»، «یوهان هویزینگا»^۶ در اثری بدیع تحت عنوان «انسان بازیگر»^۷ به دفاع از بازی و ورزش پرداخت. به اعتقاد وی فرهنگ به

^۱ M. Mauss

^۲ Techniques Corps

^۳ L. Strauss

^۴ Habitus

^۵ Raison pratique

^۶ J. Huizinga

^۷ Homo ludens

صورت بازی متولد می‌شود، فرهنگ در اصل صورت‌هایی از بازی است. از چشم‌انداز او همه چیز بازی است. پدیده‌های اجتماعی همانند عدالت، جنگ، فلسفه، هنر و شعر صورت‌های دگرگون شده بازی و مسابقات ورزشی هستند. «هویزینگا» بازی را به عنوان یک پدیده فرهنگی معرفی می‌کند، نه صرفاً پدیده زیست‌شناختی و بیولوژیکی. او معتقد بود، ورزش در دهه چهل در اروپا ماهیت و طبیعت بازی بودن خودش را از دست داده و صورت انحطاطی به خود گرفته است، به اعتقاد وی رژیم نازی که در تدارک بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ برلین بود، از ورزش و المپیک در جهت اهداف و امیال سلطه‌گری خود استفاده می‌کرد. به اعتقاد او تبلیغ ورزشی از واکنش‌های هیستریک توده استفاده می‌کند که این خود گواهی است بر بطلان روح بازی و جدایی از فلسفه و جوهر اصلی ورزش. البته «هویزینگا» با ارایه چنین نقطه نظرات انتقادی بر ورزش و بازی‌های المپیک برلین و چندین واکنش انتقادی همراه با نگرش‌های ضد هیتلری موجب شد، تا در دوران جنگ دوم جهانی چند ماهی را در زندان بسر برد. به هر حال «هویزینگا» دو بحث عمده را مطرح می‌کند، اول شناسایی بعد سیاسی ورزشی که به صورتی پوشیده ولی همه جا حاضر و به صورت خزنده در امور ورزشی مداخله می‌کند. دوم ابزار تردید درباره فضیلت‌ها و ارزش‌هایی است که ورزش می‌توانست حاصل آن‌ها باشد (دوفرانس، ۱۳۸۵: ۷-۱۴۶).

کایوا، تقدیر فرهنگ‌ها به وسیله ورزش

«رژه کایووا»^۱ دو دهه پس از «هویزینگا» و تحت تأثیر وی کتابی با عنوان «بازی‌ها و انسان‌ها» را به رشته تحریر در آورد، تا نشان دهد تقدیر فرهنگ‌ها را بازی‌ها رقم می‌زنند. به عبارتی فرهنگ‌ها تحت تأثیر بازها شکل می‌گیرند. او با دیدی نو و بدیع ورزش و بازی‌ها را از غربت بیرون آورد و به آن‌ها جایگاه داد. او از لحاظ اجتماعی چهار سنخ بازی رقابتی، شانس، ساختگی و سرگیجه‌ایی را بر اساس ترکیبشان معرفی نمود که چهار نوع فرهنگ متمایز از آن‌ها منتج می‌شود. بازی‌های رقابتی که در راس آن‌ها ورزش قرار دارد، اصولاً یک رقابت قاعده مند و منصفانه است که در آن تلاش و تمرین داوطلبانه و شایستگی قبول مسئولیت به نتیجه می‌رسد. به اعتقاد وی تا حدودی تمدن‌ها با بازی‌های‌شان مشخص می‌شوند. هر جامعه‌ای با سوگیری ترجیحات به هر یک از سنخ‌های چهارگانه بازی، فرهنگ خاصی پدیدار می‌شود. سوگیری ترجیحات به بازی‌های رقابتی و شانس به تکوین جوامع اهل حساب و کتاب می‌انجامد و سوگیری بازی‌های ساختگی به تکوین جوامع هرج و مرج‌گرا ختم می‌شود. در جوامع نوع اول ورزش در ایجاد جوامع با سازمان عقلانی فعالانه مشارکت می‌کند.

^۱ Roger Caillois

کایووا» بازی‌ها و ورزش‌ها را در متن فرهنگشان بررسی نمود. زیرا بر آن بود که ورزش بافت و ساختار^(۱) اجتماعی و فرهنگی که در آن بوجود آمده را منعکس می‌کند. به اعتقاد او هر جامعه‌ایی بازی‌ها و صورت‌های حرکت نمایشی خاص خویش را دارد. در نتیجه، تحلیل مشخصات این حرکات بدنی بخش عمده‌ایی از ویژگی‌های جامعه‌ایی را که در آن ظاهر شده‌اند، آشکار می‌کند. به اعتقاد وی، ورزش را می‌توان به عنوان صورت ممتاز حرکات نمایشی عصر حاضر قلمداد نمود و از آن به عنوان، آزمایشگاهی که در آن رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازی‌های معنادار فرهنگ قرن بیستم شکل می‌گیرد را تجربه کرد (همان منبع: ۹-۱۴۷).

گاتمن، ورزش صورت عقلانی زندگی اجتماعی

آلن گاتمن^۲ با الهام از «ماکس وبر» و در چشم‌اندازی متفاوت به سال ۱۹۷۸ فرضیه تکوین ورزش‌ها به عنوان صورت عقلانی شدن زندگی اجتماعی در دنیای صنعتی تحت تأثیر پروتستانیزم را مطرح کرد. به نظر «گاتمن» با پروتستانیزم، صنعت جدیدی با هدف عینی کردن و سنجیدن نتایج کنش‌ها بوجود آمد. به زعم وی این تحول نه فقط در فعالیت‌های اقتصادی بلکه در رفتار زندگی روزمره و در همه کنش‌ها مرتبط با بدن ملاحظه می‌شود. با تلاش‌های او بدن و فعالیت‌های بدنی موضوع سنجش قرار گرفته و هم زمان طرح تغییر و تقویت آن از راه تمرین‌های منظم اعلام شد. البته بر اساس این بستر فکری و نظری بود که تربیت بدنی و ورزش‌های مدرن ظاهر شدند. «گاتمن» با هفت معیار آن‌ها را از بازی‌های سنتی و مناسکی متمایز می‌کند، که ویژگی‌های این ورزش‌های مدرن عبارت از، سکولار بودن، مساوات طلبی، تخصصی بودن، عقلانی، سازمان یافتگی اداری، شمارش پذیری و تعقیب رکوردها. این تعریف ورزش از راه تبیین با همه صورت‌های پیشین بازی‌های مدنی توانسته زمینه اجتماعی بودن ورزش را فراهم نماید. پس از مرور مدل «وبری» که بر هسته اخلاق پروتستانیزم در سخت‌گیرانه ترین صورت‌هایش و بر نتایج عملی‌اش در رفتارهای اقتصادی یا در گذران اوقات فراغت تأکید می‌ورزد، «گاتمن» جایگاه مهم پروتستان‌ها را در ورزش نشان می‌دهد. او به کمک آمارهای گردآوری شده سهم پروتستان‌ها را در جمعیت کل و در جمعیت ورزشکاران قهرمان و مدال گرفته را مقایسه می‌کند، به طوری که ۷/۶ درصد از جمعیت دنیا را پروتستان‌ها تشکیل می‌دهند، در حالی که ۵۴/۵ درصد از دارندگان مدال‌های المپیک از مذهب پروتستان هستند. یا آن که در آلمان غربی در سالهای ۱۹۶۰ پروتستان‌ها ۵۲ درصد جمعیت کل را تشکیل می‌دادند، در حالی که ۶۰ درصد اعضای باشگاه‌های ورزشی و ۷۳ درصد ورزشکاران عالی رتبه در ورزش‌های دو و

^۱ Structure
^۲ Allen Guttman

میدانی را پروتستان‌ها به خود اختصاص داده بودند (دو فرانس، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۷). «گاتمن» در این زمینه دو ویژگی قابل می‌شود. اول آن که تکوین ورزش‌ها در دوره پروتستانیزم ریاضت پیشه صورت نمی‌گیرد، که بالعکس آنان مخالف سرسخت هر نوع بازی و گذران اوقات به فراغت بودند. از سوی دیگر، کشورهای کاتولیک مذهب هر چند که با تاخیر در عشق پرشور به ورزش به پروتستان‌ها پیوستند و نرخ جمعیت اهل ورزش در میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌های کشورهای مسیحی به هم نزدیک شد، اما هم چنان نابرابری به سود پروتستان‌ها باقی ماند.

نمودار شماره (۱) فرآیند عقلانی شدن جامعه به وسیله ورزش‌های مدرن از نظر «گاتمن»



علاوه بر این، «گاتمن» با الهام از «مرتون» فرضیه «وبر» را تغییر داده و آن را در یک صورت بندی نزدیک‌تر به تاریخ و فرهنگی ارایه می‌کند، به گونه‌ای که او نقش جهان بینی عمل گرایانه و عقلانی را که باعث توسعه تفکر علمی می‌گردد و از این راه در طول قرن هیجدهم در زندگی اجتماعی نفوذ می‌کند، در سیر تکوین و تکاملی ورزش‌های مهم شمرده و معتقد است که پیدایش ورزش‌های مدرن نه بازتاب پیروزی سرمایه‌داری است و نه پیامد جلوس پروتستانیزم، بلکه نتیجه توسعه آرام جهان بینی عمل گرا، تجربی و ذهنیت ریاضی است (همان منبع).

الیاس، ورزش کلید شناخت جوامع

در دهه شصت «نوربرث الیاس»^۱ در تحلیل و تعبیری شگفت‌انگیز و جدیدی اعلام کرد «ورزش کلید شناخت جامعه است» (دو فرانس، ۱۳۸۵: ۱۴۹) «الیاس» معتقد بود، متمدن شدن نوعی فرآیند آموزشی غیر ارادی برای بشر است، که در نخستین روزهای زندگی او آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد (الیاس، ۱۳۷۷: ۲۱۱). به اعتقاد الیاس، تمدن‌ها و جوامع از سده‌های گذشته تا کنون با درونی کردن تدریجی فشارهای اجتماعی سخت‌گیرانه به صلح آمیزتر شدن رسوم اخلاقی کمک کرده تا آنجا که در این فرآیند خود کنترلی، بدن در خط مقدم جای گرفته است. از دیدگاه وی عادت‌های حرکتی در مهار تدریجی رفتارها و تکانه‌های پر خاشگرانه نقش مهمی ایفا کرده‌اند، به گونه‌ای که بازی‌ها و ورزش‌ها وسیله ممتازی به منظور تنظیم خشونت شده‌اند و تمرین هم ستیزی بدنی را در چارچوب رقابت قاعده مندی روی صحنه آورده و آن را قانونمند و مشروع ساخته است. «الیاس» بر آن بود

^۱ N.Elias

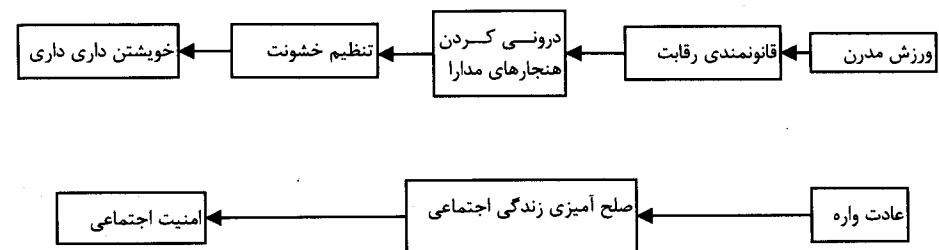
که قشرهای اجتماعی مرفه با تکیه بر رفتارهای حرکتی و ورزشی سعی می‌کنند تا شیوه‌های کنش و کنش متقابل را متداول کنند که «الیاس» آن را با وام گرفتن از اصطلاح «مارس موس» «عادت واره اجتماعی» می‌نامد. این عادت واره بدنی بر جستجوی تشخیص و تفرد مبتنی بوده و در صدد است از گذر تأکید بر تمایز اعضای نخبه امتیازات اجتماعی و سلطه شان را تثبیت کند.

«الیاس» در مطالعه تاریخ اجتماعی انگلستان قرن هیجدهم نشان داده که رابطه تنگاتنگی میان پیدایش ورزش و شکوفایی رژیم پارلمانی وجود دارد. او ورزش را به عنوان مدلی در جهت تحلیل ساختارهای اجتماعی می‌داند. به اعتقاد وی ورزش مدخل مناسبی برای تحلیل ساختارهای جامعه است. مانند «کایووا» که معتقد بود بنای جامعه‌شناسی بر پایه ورزش‌ها استوار گردیده است. او زندگی اجتماعی را به نوعی بازی تشبیه کرده، و الگوی بازی را نشان دهنده وارد شدن انسان‌ها در شبکه روابط می‌داند (Elias, 1994: 514).

«نوربرث الیاس» و «اریک دانیینگ»^۱ در یک تحقیق مشترک در سال ۱۹۳۹ دگرگونی ورزش و بازی‌های بدنی را از سده‌های میانی تا دوره معاصر بررسی نمودند. آن‌ها نبردها و بازی‌های خشن را همراه با کاهش خشونت و قاعده مندی در سده‌های گذشته همراه دیدند. زیرا از قرن هفدهم تا قرن نوزدهم تلاش‌های فراوانی جهت جلوگیری و ممنوع کردن صیورت‌های خشونت آمیز رقابت‌های تن به تن معمول شده و قواعد و قوانینی لازم برای جلوگیری از برخوردها وضع شده، به طوری که این فرآیند تخفیف خشونت به طرز محسوسی بازی‌های بدنی را به فعالیت‌های نمایی مبدل نموده که طی آن‌ها زندگی شرکت کنندگان در بازی‌ها دیگر در خطر نبوده و حساسیت بازی کنان و تماشاگران را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که آنان طاقت دیدن به قتل رسیدن حریف و خون ریزی در صحنه رقابت را ندارند. این مطالعه آن‌ها را باین واقعیت آشنا نمود که در طول این مدت شکل بازی‌ها به ورزش‌ها در فرآیند عمومی تر صلح آمیزی شدن زندگی اجتماعی تغییر یافت، به گونه‌ای که بازی‌های همراه خشونت به ورزش‌های قاعده مند و به دور از هرگونه خشونت در راستای صلح تبدیل شدند (دو فرانس، ۱۳۸۵: ۱۹). از دیدگاه «الیاس» اختلاف میان ملت‌ها باید بدون توسل به خشونت حل و فصل گردد. روابط اجتماعی و نهایتاً زندگی اجتماعی باید صلح آمیز شود که در این راستا ورزش‌ها می‌توانند عامل مطلوب و مناسبی واقع گردند. «الیاس» به تبیین شرایط خاصی که در انگلستان وجود داشته، پرداخته و معتقد است، نخستین کشوری که زندگی سیاسی در آن صورت پارلمانی پیدا کرد و اجازه جابه‌جایی قدرت میان دو حزب رقیب را بدون توسل به خشونت می‌دهد، کشوری است که در فاصله قرن هیجدهم تا نوزدهم شکل بازی‌های بدنی و خشونت بار را به ورزش‌های قاعده مند و به دور از هرگونه خشونت تبدیل نموده است (همان منبع: ۲۰).

^۱ E. Dunning

نمودار شماره (۲) فرآیند تأثیر ورزش بر عادت واره از نظر «الیاس»



بنابراین، مدل تحلیل «الیاس» عمدتاً بر ویژگی‌های شخصیتی افراد، ساختار روابط اجتماعی و تشکیل فضاهای سیاسی ملی تأکید دارد. او در این مدل نشان می‌دهد که به موازات پیشرفت فرآیند متمدن سازی آداب و رسوم، کارهای پیچیده‌ی کاهش و تنظیم خشونت در درون ملت‌ها نیز توسعه می‌یابد. درونی کردن هنجارهای مدارا متداول شده که صورت‌های آگاهی از خود و دیگران، و نیز صورت‌های حساسیت در تجربه دنیای اجتماعی را تغییر داده و خویشتن‌داری^۱ که در جامعه مدرن بر آن تأکید می‌شود، افزایش می‌یابد. به نظر «الیاس» این اعتدال روانی به آرامی به قشرهای اجتماعی دیگر گسترش می‌یابد، تا جایی که مبانی ادب و قواعد امنیت اجتماعی در زندگی روزمره مدرن را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، «نوربرت الیاس» تکوین یک «عادت واره»^۲ اجتماعی را نشان می‌دهد که از ویژگی‌های زندگی اجتماعی کشورهای صنعتی، مدرن و شهرنشین معاصر است. «الیاس» در این تحلیل، نه تنها شکل ورزش مدرن را با شکل بازی‌های رقابتی بدنی گذشته متفاوت می‌داند، بلکه معتقد است جامعه مدرن بر پایه روابط اجتماعی متمایز از جوامع قدیمی بنا شده است، به طوری که تفاوت میان حال و گذشته را به وضوح می‌توان مشاهده نمود. همان تفاوتی که تبعاً در دو شکل بازی‌ها و ورزش‌ها وجود داشته، به گونه‌ایی که بازی‌های رقابتی بدنی و خشونت آمیز یونان باستان تبدیل به ورزش‌های بدنی به دور از هرگونه خشونت و منطبق بر مقررات و قوانینی که این اعمال خشن را مجاز نمی‌داند و از خشونت‌ها به سوی مدارا و خویشتن‌داری و اعتدال روانی رفته است (همان منبع، ۱-۲۰).

بورديو، ورزش فتح سياسي توده‌ها

«پیر بورديو»^۳ به پیروی از اندیشه‌های «الیاس» معتقد بود که ورزش در تشکیل و تکوین «عادت واره» نقش موثر داشته است. او «عادت واره» را عادات شرطی شده مربوط به

دسته‌ایی خاص از شرایط زندگی می‌داند که نظام‌های رغبتی پایدار و قابل انتقال را تشکیل می‌دهد (شویره و فونتین، ۱۳۸۵: ۷-۷۶). «بورديو» این مفهوم را محصول فعالیت تاریخی نسل‌های پی در پی تصور می‌کند که موجب تفاوت و تمایز الگوهای رفتاری و عقاید میان افراد و گروه‌ها می‌شود (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۷). او انسان‌ها را عاملانی فعال می‌داند که سرنوشتشان به تمامی در دست خودشان نیست، بلکه در مجموعه‌ایی کلی و نا خود آگاه از دستور العمل‌های تفسیری و انگیزش که افراد را براساس موقعیت اجتماعی شان کسب می‌کند، که به آن «عادت واره» می‌گویند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۵). وی در این زمینه تلاش کرد تا میان حوضه بیرونی و حوضه درونی رابطه‌ای منطقی را تبیین کند و بتواند نشان دهد گذار از «فردیت» به «اجتماعیت» و بر عکس، چگونه انجام می‌گیرد و از این گذشته رابطه فرد و گروه‌های انسانی با حافظه‌های گوناگون تاریخی چگونه انجام می‌پذیرد (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۷). «بورديو» با الهام از تعریف «الیاس» درباره «عادت واره» معتقد است که این مفهوم نظامی از گرایش‌های تمایلات پایدار مستمر و قابل انتقال است و دلالت بر آن دسته از تمایلات، آمادگی‌ها، ظرفیت، ادراک، احساس، اعمال و اندیشه‌های فرد دارد که هر چند اجتماعی است، اما طبیعی می‌نماید و در وجود او تثبیت شده، زیرا که غالباً به شکل پنهان و ناخود آگاه در هر فرد تحت شرایط عینی و زیستی مسیر زندگی اجتماعی، و نهادینه شده است (توسلی، ۱۳۸۳: ۶-۵). علاوه بر اینها، در حوزه جامعه‌شناسی ورزشی و در مفهوم خشونت نمادین با تبیینی از «عقلانیت» پیشرفته جامعه مدرن روبرو هستیم، که در آن «بورديو» «بازتولید»^۱ جامعه را در قشر بندی‌ها و طبقه‌های اجتماعی بر اساس منطقی کاملاً گویا از تقسیم سرمایه‌های اقتصادی - اجتماعی ارزیابی می‌کند. این تقسیم به باور او، در مجموعه نهادهای اجتماعی غالب است. در مفهوم «بازتابندگی» نیز با نتیجه منطقی مفهوم خشونت نمادین سر و کار داریم. پژوهشگر اجتماعی به باور «بورديو» نه به تعبیر «دورکیمی» با ذهنی خالی از پیش داورها بلکه با «عادت واره» یا چارچوب تفسیری هدایتی که دستور العمل‌هایی برای انسان‌ها می‌باشد (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۷) و از سوی دیگر، شکل گرفته از سرمایه‌های اجتماعی - اقتصادی و با موقعیتی کاملاً روشن در ساختار اجتماعی می‌باشد، به سراغ تحلیل موقعیت‌های اجتماعی می‌رود و همه این مشخصات در کار او قابل پیگیری هستند. بنا بر این، میان موضوع تحقیق و محقق رابطه‌ای از بازتابندگی متقابل اتفاق می‌افتد. اما در این میان مفاهیم «بورديو» شاید مفهوم میدان یا «عرصه» کلیدی‌ترین مفهوم باشد. در این وادی «بورديو» طبقات را واقعی نمی‌داند بلکه آن را یک مفهوم انتزاعی و تئوری تصور می‌کند. به اعتقاد او طبقات وجود ندارد، بلکه آن چه وجود دارد یک فضا^۲ اجتماعی است که افراد بر اساس اولویت بندی‌های شبیه و نزدیک به هم و جایگاه‌هایی که

¹ Self control

² Habitus

³ P. Bourdieu

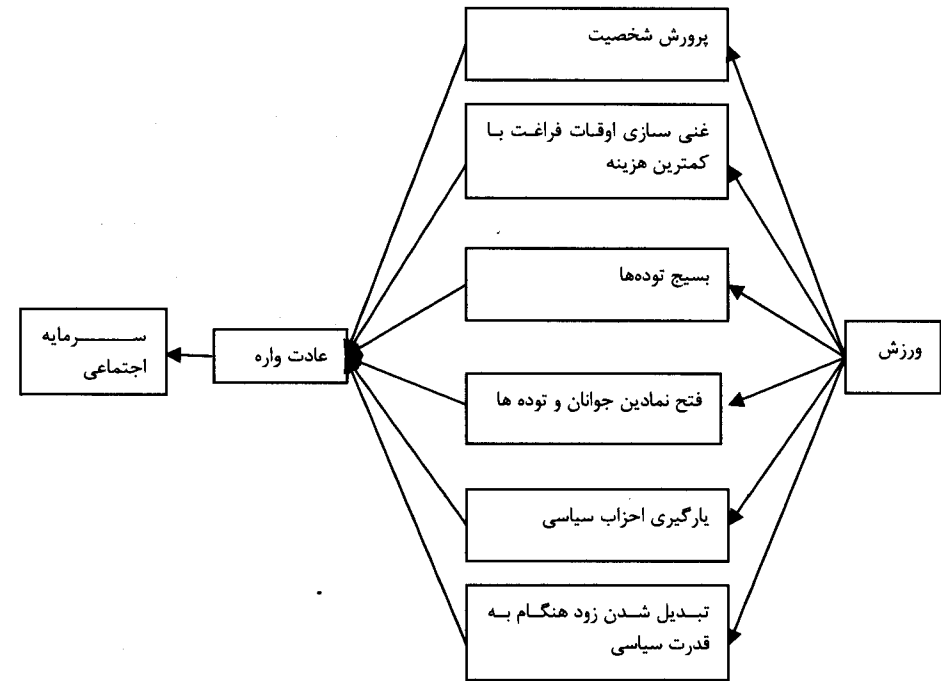
در میدان وجود دارد، آنجا را اشغال می‌کنند، البته این اشغال که به صورت مشترک و عینی می‌باشد، افراد را به یک شناخت جمعی از هویت خود که متمایز از سایر گروه‌ها می‌باشد، می‌رساند (بورديو، ۱۳۸۱: ۵-۴۴) به هر تقدیر «بورديو» همواره بر این امر اصرار می‌ورزید که پهنه امر اجتماعی را باید به عرصه یا میدانی تشبیه کرد که نیروهای اجتماعی گوناگون هر یک با کوله باری از سرمایه‌های متفاوت (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) درون آن وارد می‌شوند و دست به رقابت با یکدیگر می‌زنند، (مانند مسابقات و عرصه‌های ورزشی) تا به بیشترین امتیازات مادی و معنوی دست یابند. این رقابت همواره شکل و ظاهری خشونت آمیز و تنش بار ندارد و حتی برعکس، تنش و خشونت در آن بیشتر «نمادین» است تا مادی. نمادین بودن در اینجا ضمانتی است برای «اقتصادی» بودن حرکت‌ها، به گونه‌ای که برای تحقق یافتن قدرت و اعمال سلطه لزوماً نیازی به اعمال خشونت فیزیکی وجود ندارد و کنترل اجتماعی که به شکل کنترل کالبدی در می‌آید، از طریق خشونتی نمادین کافی است. بنابراین، مصداق موارد فوق در صحنه‌های ورزشی به وضوح و وفور مشاهده می‌شود که «بورديو» را به حوزه جامعه‌شناسی ورزش سوق داده است. در این وادی، یکی از مقالات «بورديو» با عنوان «چگونه می‌توان ورزشکار بود» می‌باشد. او در این نوشتار به تحلیل امر ورزشی به عنوان پهنه و میدانی برای رقابت بر سر قدرت می‌پردازد، و نشان می‌دهد که چگونه در عملی به ظاهر کاملاً غیر سیاسی، اما دائماً با حضور سیاسی در عمق سر و کار داریم. «بورديو» در این مقاله معتقد است که رواج ورزش و توسعه آن در میان جوانان طبقه پایین و زیر سلطه را می‌توان تا اندازه زیادی تحت تأثیر همان اصول دانست، که سبب ابداع ورزش در شکل جدید آن در مدارس عمومی انگلیسی در اواخر قرن نوزدهم شده بود. در مدارس عمومی که نهادهایی به تعبیر «گافمن»^۱ نام به شمار می‌آمدند، هدف آن بود که دانش آموزان را به صورت ۲۴ ساعته و هفت روز در هفته در چارچوب خود حفظ کنند، به این ترتیب ورزش بیش از آنکه، بنا بر باوری قدیمی و ویکتوریایی عمل کند، ابزاری برای به اصطلاح «پرورش شخصیت»^۲ به شمار می‌آید تا امکان این را فراهم آورد که با کمترین هزینه نوجوانان را مشغول نگه داشت. به تعبیر یچی از صاحب نظران، وقتی دانش آموزان بر روی زمین ورزش هستند مراقبت از آن‌ها کار ساده‌ایی است، زیرا آن‌ها به فعالیتی سالم مشغول می‌شوند و خشونت خود را به سوی دوستان خویش خالی می‌کنند و نه بر ساختمان و معلمان خویش. در اینجا بی‌شک می‌توان یکی از کلیدهای راز گشایی ورزش و این که چرا یک‌باره انجمن‌های ورزشی چنین گسترش یافتند را مشاهده کرد. این انجمن‌ها ابتدا بر پایه هم‌یاری داوطلبانه مردم شکل گرفتند، اما به تدریج حکومت‌ها آن‌ها را به رسمیت شناخته و به حمایت آن‌ها پرداختند. از سوی دیگر، ورزش ابزاری کاملاً اقتصادی بود که به وسیله آن قدرت حاکم

^۱ Gafman

^۲ Improving the character

می‌توانست نوجوانان را سرگرم و کنترل کند. از همین روی، ورزش به سرعت به عرصه‌ای برای رقابت میان نهادهایی تبدیل شد که به شکل کامل یا جزئی سازمان می‌یافتند تا بتوانند به سمت بسیج و فتح سیاسی توده‌ها از همین راه فتح نمادین جوانان بروند. از جمله این نهادهای رقیب احزاب سیاسی، سندیکاها و کلیساها بودند. اما به زودی سرمایه‌داران نیز به جمع این رقبا پیوستند. گروه اخیر که پس از ایجاد یک گروه با دوام کلیت یافته از جمعیت کارگری بودند، خیلی زود برای مزد بگیران خود، در کنار بیمارستان و مدرسه، استادیوم‌های ورزشی و تجهیزات ورزشی به وجود آوردند، تا آنجا که نهادهای سیاسی را در حوزه ورزش به رقابت با یکدیگر وا داشتند. مضاف بر آن، چهره ورزش هر چه از پشت پرده هویدا می‌شد، و کمک‌های دولت به آن افزایش می‌یافت، ظاهری خنثی به خود می‌گرفت و در عین حال به تشدید رقابت برای سلطه در خود دامن می‌زد. به اعتقاد «بورديو» اصولاً رقابت میان سازمان‌ها یکی از مهم‌ترین عواملی است که به توسعه یک نیاز اجتماعی یعنی نیازی که به صورتی اجتماعی شکل گرفته است، منجر می‌شود. این امر درباره برنامه‌های ورزشی، تجهیزات، ابزارها، افراد و همه خدمات مربوطه نیز صادق است. از منظر «بورديو» تحمیل نیازها در حوزه ورزشی بیش از هر کجا در حوزه روستایی خود را نشان می‌دهد. به اعتقاد وی در روستاهای فرانسه، ظاهر شدن تجهیزات و امکانات و گروه‌های ورزشی، هم چون کلوپ‌های جوانان و کلوپ‌های افراد مسن، در اکثریت قریب به اتفاق موارد حاصل عمل خرده بورژوازی‌های محلی یا بورژوازی‌های روستایی است که این زمینه را بهترین موقعیت برای ایجاد و افزایش، حفظ و انباشت یک سرمایه حیثیتی و یک شهرت اجتماعی برای خود می‌دانند و کاملاً به این امر واقفند که این سرمایه حیثیتی قابل قبول تبدیل به قدرتی سیاسی است (Bourdieu, 1984: 57)

نمودار شماره (۳) فرآیند تأثیر ورزش بر سرمایه اجتماعی از نظر «بوردیو»^۱



آدورنو، ورزش توجیه‌گر سیاسی و سلطه‌گر اجتماعی

در حقیقت نظریات «تئودور آدورنو»^۱ بیشتر بر ساختار تکنولوژیک فرهنگ جوامع صنعتی و نقش سلطه‌گرایانه آن در خلق افکار عمومی مبتنی است. او معتقد بود که در ارتباطات نوین جهانی، کارکرد پنهان پاره‌ای از پدیده‌ها و نهادها، فریب انسان در جامعه مدرن است. او بر تبلیغات در صنعت فرهنگ تأکید داشته و بر آن بود که اوج تبلیغات در صنعت فرهنگ این است که مصرف‌کنندگان احساس نمایند که مجبور به خرید و مصرف فرآورده‌های این صنعت هستند، حتی اگر این اجبار از جانب خودشان باشد. «آدورنو» در انتقاد از صنایع فرهنگی بر این باور است که ساختارهای بورکراتیک و عقلانی شبکه‌های ارتباط جمعی فرهنگ نوین انسان مدرن را کنترل می‌کند و فرهنگی را به وجود می‌آورد که غیر خود جوش، هدایت شده و مصنوعی است نه یک فرهنگ ذاتی و واقعی. مکتب فرانکفورت این فرهنگ را فرهنگ بسته بندی شده توده‌گیر می‌داند، که توسط رسانه‌های جمعی منتشر می‌شود و از طرف دیگر از تأثیر سرکوب‌گری و بی‌حس‌کنندگی این فرهنگ بر مردم

^۱ T. Adorno

هراسانند. از نظر آن‌ها، تأثیرات اغواء‌کننده تبلیغات توسط انواع مختلف رسانه‌های جمعی و ابزارهای تبلیغاتی موجب شده تا هوش و حواس مصرف‌کنندگان کاملاً در تصرف این ابزارها قرار گرفته و هر گونه اراده و آگاهی از وی سلب شود (نوذری ۱۳۸۴: ۳۲۴). «آدورنو» با این دیدگاه انتقادی به ورزش نگرسته و آن را در زمره ابزارهای تکنولوژی سلطه می‌پندارد، که سودای توجیه‌گری سیاسی و سلطه‌گری اجتماعی را دارد. از همین روی، او دیده‌گاه مثبتی به ورزش نداشته و آن را همانند دیگر محصولات فرهنگ انبوه، از ارکان مهم صنعت فرهنگی تصور می‌کند. «آدورنو» معتقد است در تحلیل مسایل اجتماعی می‌توان از ورزش به منزله یکی از راههای درک نظم اجتماعی یاد کرد. به اعتقاد وی، ورزش نوعی راه فرار تصنعی برای پناه بردن به دنیای ظاهراً متفاوتی است که در حقیقت چیزی جز دنیای اجتماعی شیء شده نیست. به زعم او، ورزش در روند بسط گسترش فرهنگ انبوه نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، به طوری که چنانچه بخواهیم مهم‌ترین و شاخص‌ترین جریان‌های فرهنگ معاصر را خلاصه کنیم، به ندرت می‌توان مقوله‌ای مستعدتر و کارآمدتر از ورزش پیدا کنیم (Adorno, 1981: 56).

«آدورنو» در تحلیل ورزش آن را یکی از نهادهای سلطه‌ی اجتماعی دانسته و به عنوان بخشی از روند صورت‌بندی فرهنگ، به منزله عنصر مهمی در ناکامی ظاهری طبقه کارگر در تحقق بخشیدن به انقلاب پرولتاریایی می‌داند. او ضمن آنکه ورزش را از وجوه اصلی و لاینفک سلطه اجتماعی به شمار می‌آورد، بر آن است که ورزش فشارها و مشکلات جسمی و روحی گروه اندکی را تبدیل به لذت و شادی کاذب گروه بیشتری از مردم به منظور عادت دادن افراد جهت تبعیت از خواسته‌های زندگی مادی شان می‌کند. «آدورنو» ادامه می‌دهد، که هیچ کس از این کارکرد غیر متعارف و قاچاقی ورزش اطلاع و آگاهی ندارد (Adorno, 1984: 39). وی همچنین معتقد است، فرهنگ توده‌ها بسیاری از ویژگی‌های خود را از ورزش وام می‌گیرد. و متقابلاً ورزش و رویدادهای آن نیز از مضامین محبوب و پرطرفدار فرهنگ توده‌ها محسوب می‌شود. او معتقد است رویدادهای ورزشی از هر معنایی تهی شده‌اند و چیزی نیستند، جزء رویدادهای ورزشی و ویران‌کننده ابعاد زیبا شناختی در تمامی حوزه‌های زندگی اجتماعی (نوذری، ۱۳۸۴: ۳۳۷). «آدورنو» این فرایند را «ورزش زندگی سیاست»^۲ و «سیاست ورزشی سازی»^۳ دانسته و با دیدگاهی منفی به ورزش، آن را مرتبط با پدیده‌ی فاسد و مخرب فرهنگ توده‌ها و عقل‌ابزاری می‌داند (همان منبع: ۳۴).

«آدورنو» معتقد است در نظام سرمایه‌داری مدرن، از ورزش به صورت ابزاری استفاده می‌شود و کارکرد و عقلانیت ابزاری بر آن حاکم شده است. به گونه‌ای که افراد در روند فعالیت‌های ورزشی ناخواسته و ناآگاهانه در قالب شیوه‌های رفتاری و هنجارهایی گام

^۱ The sportification of politics
^۲ The sportification politics

می‌گذارند که سیستم از آن‌ها انتظار دارد. به نظر وی، ورزش علی‌رغم رسالت تندرستی و سلامتی که برای جامعه به ارمغان می‌آورد، اما در راستای اهداف دیگری نیز گام برداشته، به نحوی که افراد از طریق ورزش دقیقاً همان چیزهایی را بر خود تحمیل می‌کنند که جامعه به آنان تحمیل می‌کند. بنابراین، ورزش تلویحاً به عنوان ابزار مناسب و کارآمدی جهت تأمین امیال و اهداف شیوه تولید سرمایه داری مدرن مبدل شده که توجیه‌گر تجسم عقلانیت، هنجارها و ارزش‌های کار به شمار می‌آید. از همین روی «آدورنو» به انتقاد از این پدیده پرداخته و آن را مفری برای گریز از واقعیت‌های اجتماعی می‌داند (همان منبع: ۳۳۹).

«آدورنو» معتقد است ورزش پیوند و همبستگی تنگاتنگی با عادات و خصوصیات نظام سرمایه داری داشته و روحیات تهاجمی و خشونت‌آمیز را با خلق و خوی اقتدارگرایانه ادغام نموده تا در عرصه سیاست به مثابه الگویی برای قدرت‌نمایی و یارگیری ظاهر شود. او معتقد است، عقلانیت ابزاری که در وراء ورزش نهفته است، به تدریج آن را از قلمرو آزادی جدا نموده و آن را معنا و محتوی اصیلش تهی نموده و به عنوان سیطره و سوداگری تبدیل می‌کند. «آدورنو» ورزش را آنتی تری در برابر فعالیت‌های راستین و جدی انسان‌ها دانسته و با توجه به قابلیت‌های ورزش معتقد است که موجبات مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های بی‌معنا را فراهم نموده و توجیه‌گر سیاست می‌گردد.

جدول نقش و کارکرد ورزش در حوزه‌های فکری جامعه‌شناسی

حوزه فکری	کارکرد
موس	بوجود آورنده رفتارهای نمادی وابسته به منزلت و موقعیتی هر فرد در جامعه بر اساس سلسله مراتب اجتماعی (عادت واره)
هویزینگا	تأمین‌کننده اهداف سیاسی و سلطه‌گری - واکنش هیستریک توده‌ها
کایبوا	منعکس‌کننده بافتها و ساختارهای جامعه - تکوین جامعه با سازمان‌های عقلانی - توسعه جوامع مدرن و عقلانی
گاتمن	عقلانی شدن زندگی اجتماعی - تفکر عمل‌گرایانه
آدورنو	نهاد سلطه و محصول فرهنگ توده‌ها - از ارکان مهم صنعت فرهنگ - آنتی تری مقابل فعالیت‌های جدی و راستین انسان‌ها - کارکرد عقلانی و ابزاری - مفری برای گریز از واقعیت‌های اجتماعی - قدرت‌نمایی سیاسی - مشروعیت‌بخشی و توجیه‌گری سیاست.
الیاس	مدلی جهت تحلیل ساختارهای جامعه - مهار تدریجی رفتارهای پرخاشگرانه و تنظیم خشونت - شیوهایی برای کنش و واکنش‌های متقابل (عادت واره) - اعتدال روانی - افزایش خویش‌داری - درونی کردن هنجارهای مدارا - حل اختلاف بین ملتها بدون توسل به خشونت - جابجایی قدرت میان احزاب بدون خشونت - زمینه‌ساز حکومت پارلمانیته - تشکیل قواعد امنیت.
بورديو	تبدیل و بازتابندگی خشونت‌های فیزیکی به خشونت‌های نمادین - پرورش شخصیت - آمادگی انسان جهت ورود به میدان جهت رقابت (عادت واره) - میدانی جهت رقابت بر سر قدرت و مسایل سیاسی - پدیده‌ای کاملاً غیر سیاسی اما حضوری سیاسی - بسیج و فتح سیاسی توده‌ها - فتح نمادین جوانان و توده‌ها

خلاصه

«مارسل موس» ورزش را با فرهنگ در ارتباط دانسته و معتقد است هر فعالیت و حرکت بدنی رابطه تنگاتنگی با بستر اجتماعی جامعه‌اش دارد و به عنوان یک حرکت فرهنگی به شمار می‌آید. «موس» رفتارهای بدنی را از سنخ رفتارهای طبیعی محض نمی‌داند، بلکه آن‌ها را رفتارهای فرهنگی می‌داند که برخاسته از ساختارهای آن جامعه است. «موس» ورزش را به عنوان رفتاری اجتماعی و فرهنگی یک «عادت‌واره» می‌داند. او «عادت‌واره» را گذار انسان از فردیت به اجتماعی دانسته و ورزش را به بازی گرفتن قاعده مندی بدن بر حسب تعلق اجتماعی عمل‌کننده‌ها می‌داند که کارکردهای متعدد و گوناگونی دارد. «هویزینگا» نیز معتقد است فرهنگ به صورت بازی متولد می‌شود. او فرهنگ را در اصل صورت‌هایی از بازی‌های اقوام می‌داند. «هویزینگا» تمامی حرکات و اعمال اقوام را بازی می‌داند. او معتقد است بازی یک پدیده فرهنگی نه یک پدیده کاملاً زیست‌شناختی است. «کایبوا» نیز در این زمینه با صاحب نظران دیگر همداستان شده و فرهنگ‌ها را تحت تأثیر بازی‌ها دانسته و معتقد است، تقدیر فرهنگ‌ها را بازیها رقم می‌زنند. او بر آن بود که حدود تمدن‌ها با بازی‌هایشان مشخص می‌شود. به اعتقاد وی بازی‌های رقابتی و مسابقات به تکوین جوامع و عقلانی شدن آن‌ها کمک می‌کند. از منظر «کایبوا» این ورزش‌ها در ایجاد جوامع با سازمان‌های عقلانی فعالانه مشارکت دارند. به زعم او ورزش برآیند ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع است و از این ساختارها منعکس و منشعب می‌شوند، از این روی، هر جامعه‌ای بازی‌ها و صورت‌های حرکت‌نمایی خاص خودش را دارد.

«گاتمن» نیز ورزش‌ها را به عنوان صورت عقلانی شدن زندگی اجتماعی در دنیای صنعتی می‌دانست. او ویژگی‌های ورزش مدرن را به عنوان پدیده اجتماعی عبارت از سکولار بودن، مساوات طلبی، تخصصی بودن، عقلانیت، سازمان‌یافتگی اداری، شمارش‌پذیری و تعقیب رکوردها دانسته و بر آن است که پیدایش و توسعه ورزش‌های مدرن را نتیجه توسعه آرام جهان‌بینی عملگرا، تجربی و ذهنیت ریاضی می‌باشد. «الیاس» ورزش را به عنوان مدلی در جهت تحلیل ساختارهای اجتماعی می‌داند و آن را مدخلی مناسب برای تحلیل ساختارهای جامعه تصور می‌کند. «الیاس» شناخت ورزش را کلید شناخت جوامع دانسته و معتقد است، ورزش در کنش‌های متقابل اجتماعی موثر است. به زعم وی، ورزش در مهار تدریجی رفتارهای پرخاشگرانه نقش مهمی داشته و وسیله ممتازی جهت تنظیم خشونت در جامعه است. به اعتقاد «الیاس» ورزش می‌تواند تمرینات هم‌ستیزی بدنی را قانون‌مند و مشروع نموده و آن‌ها را عاری از هرگونه خشونت نماید. «الیاس» با الهام از نظریه «عادت واره» «مارسل موس» معتقد است که این عادت واره بدنی در جستجوی تشخص و تفرد مبتنی است و تلاش می‌کند، تا اختلافات را کم نموده و حتی تعارضات و تخالف‌های بین‌ملتها را

بدون توسل به خشونت حل و فصل نموده و روابط اجتماعی و زندگی روزمره را صلح آمیزتر کند. به نظر «الیاس» ورزش با توجه به خصلت «عادت وارگی» می‌تواند هنجارهای مدارا را درونی کرده و باعث خویشتن داری شود. او ورزش را موجب اعتدال روانی قشرها و طبقات جامعه می‌داند. اعتدالی که امنیت اجتماعی زندگی روزمره را تأمین می‌کند. البته «الیاس» رابطه تنگاتنگی بین پیدایش ورزش و شکوفایی رژیم پارلمانیته در انگلیس می‌بیند.

«بورديو» در مقاله تحت عنوان «چگونه می‌توان ورزشکار بود؟» به تحلیل ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی پرداخته و ورزش را به عنوان پهنه و میدانی برای رقابت بر سر قدرت دانسته و نشان می‌دهد که چگونه در عملی به ظاهر کاملاً غیرسیاسی، دائماً سیاست در این عرصه حضوری فعال دارد. «بورديو» ورزش را در مدارس عمومی و شبانه روزی انگلیس به عنوان ابزاری جهت پرورش شخصیت می‌داند که با کمترین هزینه نوجوانان را سرگرم و مشغول می‌کند. او ورزش را در دست طبقه حاکم به مثابه ابزار اقتصادی می‌داند که اوقات فراغت نوجوانان و جوانان را با کمترین هزینه‌های ممکن تأمین می‌کند. «بورديو» از دیگر کارکردهای ورزش همانا بسیج توده‌ها جهت اهداف و امیال سیاسی دانسته و معتقد است، ورزش موضوعی برای رقابت میان نهادهایی تبدیل شده که به شکل کامل یا جزئی سازمان یافته‌اند تا بتوانند به سمت بسیج و فتح سیاسی توده‌ها گام بردارند. او معتقد است نهادها و احزاب سیاسی و رقیب در استفاده از ورزش به جهت تأمین اهداف سیاسی استفاده کردند، که در این رهگذر به تدریج سندیکاها و کلیساها نیز افزوده شده و سرمایه داران نیز به جمع این رقبا برای کارکردهای سیاسی ورزش اضافه شده‌اند. بنابراین «بورديو» ورزش را ابزاری مناسب جهت رقابت در بین نهادهای سیاسی به منظور سلطه و پیروزی خود دانسته، زیرا او معتقد بود ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی قابلیت تبدیل شدن به قدرت سیاسی زود هنگام را دارد.

منابع فارسی:

- بورديو، پیر (۱۳۸۱) "نظریه کنش: دلایل علمی و انتخاب عقلانی"، ترجمه مرتضی مردیها، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، تهران
- دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵) "جامعه‌شناسی ورزشی"، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا، چاپ اول، تهران.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶) "کشاکش آراء در جامعه‌شناسی"، ترجمه‌هادی خلیلی، نشرنی، چاپ اول، تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴) "تاریخ‌اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی"، نشر نی، چاپ سوم، تهران.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۴) "نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی و انسانی"، موسسه انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران.
- شوپره، کریستی ین و اولیویه فونتن (۱۳۸۵) "واژگان بورديو"، ترجمه مرتضی کتبی، نشر نی، چاپ اول، تهران.

فصلنامه‌ها

- الیاس، نوربرت (۱۳۷۷)، «تکنیک و تمدن»، ترجمه مراد فرهادپور، نشریه ارغوان، تهران، شماره ۱۳، صص ۲۴۶-۲۰۹
- بورديو، پیر (۱۳۸۰) «کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی»، ترجمه محمدرضا فرزاد، نشریه ارغوان، شماره ۲۰، صص ۲۴۵-۲۷۷.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳)، «تحلیلی از اندیشه‌ی پیر بورديو درباره فضای منازعه آمیز اجتماعی و نقش جامعه»، نامه علوم اجتماعی، تهران، شماره ۲۳، صص ۲۵-۱

منابع انگلیسی:

- Adorno, T.W. (1984) "Aesthetic theory". London: R. K. P.
- Bourdieu, P. (1984) "Distinction: A social critique The judgements of taste". London. R.K.P.
- Elias, N. (1994), "The civilizing process, the history of manners and state formation and civilization", oxford: Blackwell